



کامبیز فرمانبر

حق زن در جامعه ایران

اولین گام برای برابری زن و مرد آگاهی افشار مختلف جامعه است ، اینکه بدانند و باور کنند که حقی دارند و در عرصه جامعه هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند،اینکه تا چه حد در فشار هستند و دیگر آنکه از داشتن بسیاری ارزشها محروم هستند.

البته تمام مردم به نوعی ازبزرگترین نعمت آزادی به خصوص آزادی بیان محروم هستند .وجا دارد که گفته شود که هر انسانی به سهم خود حق نظرو رای و آزادی دارد و زن و مرد از این حق بطور یکسان برخوردارند که این ام ردر کشورهای پیشرفته اجرا میشود ولی متاسفانه درایران چنین چیزی غیرممکن گشته و به همین خاطر است که کشور ما در این ۳۰ سال دأنما به عقب برگشته است.

زنان زیادی هستند که مورد ظلم قرارمیگیرند وحتی حق اعتراض هم ندارند چراکه قانون اجرایی کشور مان اینگونه حکم میکند. زنی که درقوانین ایران حتی از آزادی برابر برخوردار نیست وحق حضانت و ولایت بچهاش را ندارد، چطور احساس برابری وامنیت داشته باشد؟

اگرزنی مورد تجاوز قراربگیرد، حتی نمیتواند ازخود دفاع کند علاوه برروحیه بد و ترسی که دارد مجرم محسوب میشود وباید سنگسارشود واگراز خود دفاع کند وشخص متجاوز را درحال دفاع خود به قتل برساند به حکم قانون به دار آویخته میشود چون حکم او اعدام است .

این چه قانونی است که دیه مرد دو برابر زن است و زن نصف مرد محسوب میشود؟
آیا براستی از نظر اسلام که این رژیم به نام اسلام آمده ، زن نصف مرد است ؟
چرا زنان در ارث نصف مردان سهم میبرند؟
مگر نه اینکه در اسلام میگویند همه انسانها از هر نژادی و رنگی با هم در نظر خدا برابرند ؟
تاثیر اسلام بجز پایمال شدن حق زن چه بوده است ؟
آیا تعبیر این رژیم از اسلام درست است ؟
علاوه بر اینها و اشاره به کوچکتترین مشکلات ایران بواقع چه باید کرد؟
آیا باید دست روی دست گذاشت و منتظر یک معجزه و ... بود؟

آخر تا به کی باید تحمل کرد و سکوت ر راه چاره دانست ، البته ناگفته نماند که عکس العمل رژیم همیشه در برابر اعتراضات ملت انم از زنان ، دانشجویان ، معلمان و کارگران بسیار خشن بوده و منجر به دستگیری وضرب و شتم آنها شده ، قشری که همواره متقاضی حقوق انسانی بوده اند ولی چه فایده که دولت بجای پاسخ به این سوالات راه خشونت و تبعیض نژادی راپی گرفته است.

همانگونه که در قوانین بین المللی آمده "تبعیض نژادی" به هر گونه تبعیض، محرومیت، محدودیت و یا امتیازی بر مبنای نژاد، رنگ، اصل و ریشه ملی یا قومی که بمنظور لغو کردن و یا آسیب رساندن به شناسائی و برخورداری و اجرای تساوی حقوق بشر و آزادیهای اساسی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سایر زمینه های مربوط به زندگی عمومی صورت می گیرد، اطلاق میشود.

این قوانین همچنین بر این امر تاکید می کنند که "تبعیض بین انسانها، در زمینه نژاد، رنگ یا منشاء قومی مانع دوستی و روابط صلح آمیز میان ملتها میشود و آرامش و امنیت مردم را سلب مینماید و باعث جلوگیری از همزیستی انسانهایی می شود که می خواهند در یک سرزمین در کنار یکدیگر زندگی کنند"

مائیرانیان چه در داخل و چه در خارج از کشور خواستار آزادی به معنای واقعی در کشور عزیزمان هستیم و می خواهیم دین از سیاست جدا شود و کسانی که واقعا کاردان و شایسته هستند بر سرکار آیند و میهن را از این وضعیت که هر روز ما را به سراشیبی تند هدایت میکند نجات دهند .

ما مردم ایران چه مرد و چه زن خواستار اجرای حقوق بشر در ایران هستیم . حقوق بشر حقوقی بنیادین و انتقال ناپذیر است که برای حیات نوع بشر اساسی تلقی می شود. این در حالی است که رژیم آخوندی فقط مدعی عدالت و اجرای حقوق بشر می باشد. جمهوری اسلامی به معنای واقعی نه تنها ناقض حقوق بشر در ایران است بلکه در تمام دنیا نشان داده که امنیت جهان با وجودش در خطر خواهد افتاد چراکه رژیمی که به ملت خود رحم ندارد چطور میتواند در امنیت جهان سهیم باشد .

ما ایرانیان باید جرات داشته باشیم و از این وضعیتی که برایمان جز عادت چیز دیگری نیست رها شویم و خواستار ایرانی آزاد باشیم تا بتوانیم با ارتباط با کشورهای دیگر، شاهد پیشرفت هر چه بیشتر و بهتر کشور عزیزمان ایران باشیم .

امید است تا با همت و پشتکار مردم به خصوص زنان ایرانی و جوانان، بالاخره حکومتی دموکراتیک بر ایران حاکم شود و دست آخوندهای جبار و جیره خوارانشان از گردن ملت شریف ایران کوتاه گردد .